



متن پیش رو مشروح سخنرانی حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید محسن شفیعی، نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاه های استان خوزستان در افتتاحیه سلسله نشست های "کلام ولایت" است که در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۱ با حضور جمعی از طلاب، دانشجویان و نمازگزاران در مسجد آیت الله شفیعی اهواز ایراد شده است.

نظربه اهمیت موضوع در این برهه سرنوشت ساز و حساس و در آستانه تشکیل دومین جلسه "کلام ولایت" متن کامل این سخنرانی را برای استفاده عموم علاقمندان، در این پایگاه اینترنتی قرار میدهیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای بزرگ را شاکریم که به ما توفیق عنایت فرمود که امشب در این مسجد و در جمع دوستان و جوانان و برادران عزیز و مومن باشیم. ان شاءالله خداوند این جلسه و آنچه می گوئیم و می شنوید را در شمار عبادات ما محسوب بفرماید و به ما توفیق دهد که در هر برهه ای به وظایف خود عمل کنیم.

موضوعی که محور این جلسه و گفتگوی من با شماست، موضوع مهمی است که گذشت ایام، مرور زمان و تکرار آن به هیچ وجه ارزشش را کم نمی کند. در این گفتگو بنده می خواهم از دو زاویه صحبت کنم نسبت به آنچه [در ابتدا اشاره شد]

یک زاویه و جهت بحث این است که حرکتی که امام عزیز شروع کردند و در ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید، حرکتی عظیم و بزرگ بود. خود امام از انقلاب اسلامی به «معجزه بزرگ قرن» تعبیر کردند و آن مطلبی که محمد حسنی هیکل بیان می کند این است که «احیای حرکت انبیا در قرن معاصر به دست امام صورت گرفت.» این مطلب را به «احیای حرکت انبیا» تعبیر می آورد. می گوید: «ایران به کوه آتشفشانی تبدیل شد که نهضت عظیم انبیا در ایران و با این انقلاب احیا و تجدید شد.» ما وقتی به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و سیر دوران مبارزه نگاه می کنیم و زمانی که به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث و فراز و نشیب های آن نظر می کنیم می بینیم که در همه لحظات این حرکت و در تمام این اتفاق بزرگ، نقش رهبری و مدیریت امام، تعیین کننده بوده است. کار، کار جدیدی بود. حرکت، حرکت نویی بود. امام اهتمام داشت به اینکه این حرکت از مشروعیت دینی خود فاصله نگیرد. امام اهتمام داشت به اینکه از لغزش و انحراف به سمت روشنفکری غیر دینی و یا تحجر و واپس گرایی اجتناب شود. امام اهتمام داشت که مفاهیمی را با اتکاء به دین عرضه کند که در دنیای امروز، کارآمد و پاسخگوی نیازهای بشری و جامعه ی خودمان باشد. من با حفظ فاصله، عزیزان را ارجاع می دهم به حرکتی که پیامبر اسلام انجام داد و در ۲۳ سال پیامبری خود، لحظه به لحظه، ساعت به ساعت، روز به روز، حرکت خود را مدیریت کرد؛ مردم را جهت داد و هدایت کرد. هر جایی که لازم بود نکته ای را بفرماید، فرمود. هر تذکر، توجه و تنبیهی را که احساس کرد باید باشد، ارئه کرد. حتی شما ببینید در حجت الوداع که در آخرین ماه های عمر مبارک پیامبر بود، رسول خدا به مسلمانان فرمود: امسال در مناسک حج به همراه من شرکت کنید. مناسک حج را در آن سفر، پیامبر تکمیل کرد. و بعد مسئله جانشینی و امامت را در آن سفر ابلاغ کرد. در خطبه غرابی که پیامبر اعظم در غدیر القا فرمود، در ضمن صحبت هایش این جمله را بیان کرد: «آنچه شما را به بهشت نزدیک می کرد و از دوزخ دور می داشت به شما گفتم، ابلاغ کردم و برای شما بیان نمودم.» به عملکرد امام که نگاه کنیم می بینیم امام نیز به همین گونه حرکت کرد. مرحله به مرحله انقلاب را در مسیر خود مدیریت کرد. در دوران ۱۰ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی که زمان حیات امام عزیز در این مقطع است، مسیر کمال و تعالی را حتی در بیانات امام می توانید ببینید. یعنی انسان اوج عظمت امام را در یکی دو سال پایانی عمر ایشان می تواند ببیند. با اینکه امام انسانی است که در سال های سه دهه اول عمرشان در فقه، اصول، فلسفه و عرفان مجتهد بودند و از مراحل اجتهادی در همه این



عرصه ها امام قبل از ۳۰ سالگی عبور کرده بودند . اما وقتی بیانات و موضع گیری ها و خط دهی های یکی دو سال پایانی عمر امام را بررسی می کنیم، احساس یک عظمت متفاوت برای ما ایجاد می شود . حس می کنیم یک اتفاقی است . من این را زمانی عرض کرده ام که اگر کارنامه امام را پیش روی یک نفر قرار دهند ، در یکی دو سال پایان عمر امام ، می بیند که امام دارد اوج میگیرد . یعنی حرف ها ، مطلب و نوشته هایش آسمانی تر شده اند . پیداست امام در نقطه کنده شدن از زمین و اتصال به عالم بالاست . جنس حرفهایش ، نوع حرف هایش ، روح حرف هایش چیز دیگری است . خود امام در مراحل رهبری و مدیریت انقلاب و نظام اسلامی مدارج و مراتبی را طی کرده و اوج و تعالی را پشت سر گذاشته و از آن عبور کرده است ، تا آن لحظه ای که نقطه اتصال امام به عالم بالا پیش آمده است .

باید بدانیم این انقلاب اولاً مشروعیتش از «ولایت» است . حتی در حوزه هایی که مردم به میدان می آیند و ایفای نقش می کنند و رای می دهند و انتخاب می کنند ، اینها هم مشروعیتشان به «ولایت» است . این را توجه داشته باشید که حتی هنگامی که صحبت از مردم سالاری است ، این مردم سالاری ، مردم سالاری دینی است . فاصله و جدایی از دین در آن نیست و نباید باشد . به قانون اساسی مراجعه کنید ؛ بعد از آن که رییس جمهور به رای مردم و با انجام مراحل قانونی برگزیده شد ، مسئله ای به عنوان «تنفیذ» داریم . در متن تنفیذ نگاه کنید ؛ چه در دوران امام و چه در دوران زعامت مقام معظم رهبری ببینید . این تعبیر را دارد که رهبری کاندیدایی را که اکثریت آرا را به دست آورده و رای اکثریت رای دهندگان را کسب کرده ، ولی فقیه او را در مقام ریاست جمهوری منصوب می کند و رای مردم را تنفیذ می نماید . این مسئله مبنایی اعتقادی است . مشروعیت و ساختار نظام اسلامی در همه مسائل برگرفته از اذن ، اجازه ، رای و تنفیذ «ولی فقیه» است . آن چنان که در زمان حضور ، مشروعیت همه چیز از آن امام معصوم است و چیزی بدون اذن امام مشروعیت پیدا نمی کند . کسانی را که شما در تاریخ آنها را به بزرگی و عظمت می شناسید این مسئله را دریافته بودند . اگر همه در برابر حضرت ابوالفضل همه خضوع و تواضع می کنند و اگر همه مالک اشتر را به بزرگی ستایش می کنند ، علتش این است که در زندگی این اشخاص همین نکته فهمیده شد که همه چیز به اذن امام است . مالک اشتر به عنوان یک چهره شجاع انقلابی بزرگ ، آن لحظه که پشت قرارگاه مرکزی معاویه است ، وقتی می داند نظر امام و حجت خدا این است که برگردد ، بدون درنگ برمی گردد . برای خودش محاسبه ، معادله و جمع و تفریقی ندارد . تبعیت از امام برای او مهم است . پس انقلاب اسلامی بدون ولایت و بدون حضور ولی فقیه معنا پیدا نمی کند . هرکسی سخنی غیر از این در ذهن یا بر زبان داشته باشد ، قرائتش ، قرائت دینی تمام و درستی نیست . اگر چه چارچوب ظواهر و بیاناتش ، ظواهر و بیانات زیبا و امروزی باشد . معنا ، چهارچوب ، اصول و پایه را باید دینی نگاه کرد . غیر دینی نمی شود به نام دین شناخته شود .

وقتی این خط کشی را دانستیم و به آن توجه پیدا کردیم ، نظام اسلامی و حرکت های در جامعه و انتخاب مسیر در نظام دینی ، باید بر ولی فقیه عرضه شود . باید با ولایت تنظیم شود . فرقی نمی کند که حرکت فردی یا جمعی باشد . نه تنها اذن و رضایت ولی فقیه ، بلکه حتی میل ولی فقیه و توصیه و ترجیح ولایت باید از ناحیه کسانی که متدین اند مورد توجه باشد . اگر در جایی جایگاه ولایت و شخص ولی فقیه چیزی را مصلحت نداند ، آن مشروعیت ندارد . اگر کسی از این مسیر فاصله بگیرد به میزانی که فاصله گرفته و زاویه پیدا کرده ، دچار لغزش شده است ، راه را گم کرده و به سرگردانی مبتلا شده است .

صحبتی از مرحوم آیت الله خوشوقت مطرح شد که خیلی این صحبت حاشیه پیدا کرد و به عرصه خبرگزاریها و سایت ها رسید و بعد هم ایشان توضیحی درباره آن دادند . مطلب این بود که از زبان ایشان نقل شده بود : « هرکس با ولایت مشکل دارد مرتد است » و بعضی ها روی مسئله ارتداد حساسیت نشان دادند . ایشان توضیح دادند و فرمودند : ارتداد از جایگاه ولایت منظور من بوده است ؛ هرکسی ، هر شخصی ، هر جریانی ، هر مجموعه ای با مسیری و خطی که ولایت ترسیم می کند زاویه پیدا کند ، این به معنای ارتداد است . منظور من ارتداد فقهی نبوده است . اما ما یک ارتداد هم داریم به نام ارتداد سیاسی . همان که فرمود «ارتد الناس بعد رسول الله آلاً ثلاثاً او اربع » .



این ارتداد به چه معناست؟ ارتداد از امامت، ارتداد سیاسی، فاصله گرفتن سیاسی [در اینجا منظور است]. همه کسانی که به نظام و انقلاب اسلامی معتقدند، آنها که دل در گرو این حرکت دارند، باید به این مطلب توجه داشته باشند؛ توجهی مداوم؛ که مشروعیت این حرکت به «ولایت» است. اگر زمانی ولی امر گفت که فلان مسئله حرام است یا فلان مسئله ممنوع است، یا این حرکت مردود است، آن حرکت فاقد مشروعیت است. حتی اگر رنگ و بوی دینی و مذهبی هم داشته باشد. این را باید بطور مداوم کار کنیم. بحث من در این قسمت اعتقادی است. مسئله و نگاه، جناحی یا سیاسی یا راجع به زید و عمرو نیست. این یک میناست، این زیر ساخت باید در ذهن ما شکل بگیرد، باشد و بطور مداوم به آن اهتمام و توجه شود. کسانی که در هر برهه ای خود را با امام تنظیم می کنند، انسانهایی عاقبت به خیر هستند. در حالات جناب عبدالعظیم حسنی ببینید: اعتقادات خود را بر امام معصوم عرضه کرد. گفت: آقا می خواهم این اعتقادات مرا شما تایید کنید. درست می گویم؟ درست تقریر می کنم؟ درست فکر می کنم؟

این اعتقاد، اعتقادی است که وقتی آن را باور داشتیم دیگر بین امام راحل عظیم الشان و بین مقام معظم رهبری هیچ فاصله و تفاوتی وجود ندارد. مینا این است که مشروعیت نظام اسلامی به نظر، به رای و به قرائت ولی فقیه عادل جامع شرایط است. لذا همیشه این نکته را عرض کردیم: آنهایی که سابق می گفتند (والان کمتر میگویند) که ما به امام ارادت داشتیم لکن بعد از امام... این مبنایی و اعتقادی نیست. حتی آنجایی که صادقانه این کلام بر زبان جاری شود، جنبه احساسی و عاطفی آن بر جنبه اعتقادی و کلامی آن غلبه پیدا کرده است. نه، ما «نومن ببعض و نکفر ببعض» نیستیم. در جایگاه ولایت، هر کسی که این منصب و مسئولیت و جایگاه را عهده دار شد، چه امام راحل و چه رهبر معظم انقلاب اسلامی، احکام و مسائلی که وجود دارد همچنان جاری و ساری هستند.

ما در دوران شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن، فضا را در این جهت، مثبت می بینیم. حوادثی پیش می آمد مردم می گفتند: هر چه امام گفت همان قبول است. در اواخر عمر رژیم پهلوی دولت هایی را آوردند، مهره هایی را عوض کردند، گاهی از موضع تهدید و ارعاب، گاهی از موضع دغل کاری سیاسی، گاهی از موضع ملی گرایی، اما در همه این ها امام فرمودند این رژیم مشروعیت ندارد. لذا مردم بین بختیار، ازهار، شریف امامی و امثال این ها هیچ تفاوتی قائل نشدند. گفتند وقتی امام می فرماید رژیم پادشاهی فاقد مشروعیت است ما با آدم هایش کاری نداریم. لذا تلاش رژیم پهلوی در این بازی به نتیجه نرسید. نیامده، مردم به تبعیت از امام می گفتند ما این را قبول نداریم و مسئله تمام می شد. بعد که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، در ماه های اول پیروزی انقلاب اسلامی، اگر مراجعه کنید به صحیفه امام می بینید که امام یک تنه وسط میدان بوده است. کارهایی اجرایی کشور، کارهای نظامی کشور، کارهای اقتصادی کشور، شئون مرجعیت، همه این ها را امام یک تنه وسط میدان انجام می داده است. به صحیفه امام مراجعه کنید (چون بر اساس روز است). می بینید امام در یک روز برای نیروهای مسلح سخنرانی کرده، ۴ نماینده هم منصوب کرده، ۲ استفتا هم جواب داده، مثلاً حکمی را هم در فلان مسئله حکومتی صادر کرده، فلان اختلاف را هم فیصله داده است. یعنی امام در همه صحنه ها حاضر بوده تا آن وقتی که کشور به یک استقرار و نظامی رسیده است و مسائل آرام آرام سر جای خود آمده اند. در همه این ها مردم نسبت به امام متعبد بودند، تسلیم بودند. انقلاب اسلامی که به پیروزی رسید و از مراحل اولیه ی خود عبور کرد، باز در حوادث مختلف نگاه مردم نسبت به حضرت امام همین نگاه بود. و همین نگاه هم کشور را از حوادث بزرگی به سلامت عبور داد. اوج آن در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ است. وقتی که جنگ تحمیلی شروع شد امام از اول خطوط کلی را ترسیم کرد. جملات امام فرهنگ رزمندگان ما شد: «این جنگ اگر ۲۰ سال طول بکشد ما ایستاده ایم.» «صلح بین اسلام و کفر معنا ندارد.» این جملات کلیدی امام را ببینید. ۸ سال جنگ اداره شد. در یک مقطع حساس تاریخی امام فرمودند قطعنامه ۵۹۸ پذیرفته می شود. حالا شاید برای جوان هایی که آن دوره یادشان نیست ملموس نباشد اما این اتفاق مثل این بود که یک ماشین در سرعت بسیار بالا، یا یک هواپیما در سرعت بسیار بالای سیر و حرکت، ناگهان بخواهد ترمز بگیرد و متوقف شود. چه اضطرابی شکل می گیرد!

امام با اعلام اینکه «قطعنامه ۵۹۸ را می پذیریم» در آن سرعت فوق العاده بالا، با حداقل التهاب و هزینة، این حرکت را مدیریت کرد. چون نگاه این بود که «امام» گفته است. من دو سه شب قبل خاطرات همسر یکی از فرماندهان شهید را می خواندم که می گفت: وقتی شنیدم



قطعه نامه ۵۹۸ پذیرفته شده ، من گفتم : اصلاً چنین چیزی قابل پذیرش نیست . جنازه همسر من نیامده است . من نمی پذیرم . هیچکس نمی پذیرد . پس از آن که پیام امام از رسانه ها پخش شد و این جمله از زبان امام منتشر شد که : « فرزندان عزیز انقلابی ام ، می دانم به شما سخت می گذرد اما مگر به این پدر پیرتان سخت نمی گذرد » این جمله را که از پیام امام شنیدم گفتم : نه ؛ هر چه امام گفت . اگر امام فرمود باید قبول کنیم قبول می کنیم .

این باور، کشور را از حوادث بزرگی عبور داد . من در حاشیه این مطلب خیلی حرف برای گفتن دارم ، اگر چه وقت خیلی کم است . اما در تاریخ هر جامعه ای لحظاتی هست که تصمیم در آن لحظات ، حیات یا مرگ و هستی یا نیستی آن جامعه را رقم می زند . از این مسئله آسان نمی توانیم عبور کنیم . نمی توانیم برای جامعه ، در چنین مقطعی، جایی ، جایگاهی ، کسی و حرفی نداشته باشیم . بسیاری از مواقع پیچیدگی های حوادث تاریخی ده ها سال بعد معلوم می شود .

اعتقاد مردم به امام ، انقلاب اسلامی را تضمین کرد . امام ، بازرگان را به نخست وزیری منصوب فرمود . امام این گونه تشخیص داد. آن وقتی هم که اعلام کرد : این مسیر ، این روش و تفکر مورد تایید نیست ، جامعه به همان آرامشی که نخست وزیری بازرگان را پذیرفته بود ، به همان آرامش این طرز تفکر را کنار زد . این حوادث در هر جامعه ای می تواند عواقب سنگینی داشته باشد اما وقتی نگاه جامعه به رهبری و ولایت ، نگاه اعتقاد ، نگاه تعبد و نگاه باور است ، این کشتی به آرامش حرکت می کند . و به آرامش پهلو می گیرد و حتی طوفان را هم به آرامی می گذراند .

در این مسئله آنچه نسبت به امام صورت گرفته نسبت به حضرت آقا هم باید صورت بگیرد . این اعتقاد و باور است . هر کسی که به مبانی امامت و ولایت در دوران غیبت رسیده باشد ، متوجه می شود آنچه نسبت به امام بوده نسبت به حضرت آقا هم هست . مسئله ، مسئله شخصی نیست . مسئله ، اعتقاد ، باور ، ایمان ، نگاه و قرائت دینی است .

وقتی مشروعیت حرکت با ولایت است باید دانست « ولایت » چه می خواهد ؟ باید دانست چه می گوید ؟ مردم ما چه در دوران امام عظیم الشان و چه بعد از آن ، در این جهت به درستی عمل کردند . ملاکشان این بوده است که رهبری چه می گوید ؟ رهبری چه می خواهد ؟ رهبری کدام را درست می داند ؟ و حسن قضیه هم این است که به لطف خدا ما اگر در هر جایی دچار خطا و کم و کاست و هزینه ای شده باشیم اما در حوزه ولایت به لطف خدا و بدلیل همان ایمان ، آنچه دیدیم خیر و درستی و صواب بوده است . بدلیل اینکه این مقوله ای است از جنس معنویت و نورانیت . یکی از خطاهایی که روشنفکری در جامعه ما مرتکب شد ، دیدن حوزه ولایت با نگاه زمینی بود ، مطرح کردند که : تجمیع قدرت در یک جا استبداد می شود ؛ اگر اشتباه شد چه می شود ؟ نوع این سوال ها ، حوزه نگاه زمینی به مدیریت اجتماعی است . اما این مقوله ، مقوله دیگری است . این اتصال به عوالم بالاست ، این تایید به نورانیت الهی است . این اتکا به تهجد و پرهیز از گناه و اهتمام به عرفان و اخلاق والای اسلامی است . اصلاً یک عالم دیگر است . حرف دیگری است . این را خداوند تضمین کرده است . اینجا جایی است که کار را لطف الهی مدیریت می کند . پس جامعه و آحاد مردم وظیفه دارند دائماً رصد کنند . ببینند آن شخصی که در جایگاه ولایت متولی امر است ، چگونه اوضاع را مدیریت می کند ؟ راه را چگونه نشان می دهد ؟ چگونه راهنمایی می کند ؟ اینجا وظیفه همه است . به ویژه وظیفه جوان ها ، بچه های مسجدی ، مذهبی ، هیئتی ، و همه آن هایی که دل در گرو انقلاب اسلامی دارند ، که ببینند رهبری چه چیزی را تعیین می کند . اگر جایی رهبری چیزی را نهی کرد، نهی رهبری با هیچ توجیهی قابل انجام نیست . اگر کسی توجیهی آورد و گریزی زد از آنچه رهبری تعیین کرده است ، جهان بینی او کامل نیست . رهبری فرمودند : « امروز دامن زدن به تفرقه بین شیعه و سنی یک نقشه استکباری است . » این دیگر تفسیر ندارد . قمه زنی را نهی کردند . فرمودند : « این وهن شیعه است . تخفیف شیعه در جهان امروز است » این توجیه ندارد . این شهر و آن شهر ، در تکیه و در مسجد ، منظور این یا آن بوده است ، اینها از جنس همان اشکالاتی است که ما در برخی دوره های تاریخی شاهد آن بوده ایم . وقتی رهبری گفت : « امروز به مصلحت نیست » ، به مصلحت نیست . تمام شد . نباید انجام شود . قانون ، آیین



نامه و بخشنامه هم نمی خواهد . بلکه اعتقاد می خواهد . این اعتقاد انسان را در این مسیر قرار می دهد . فرمودند : « امسال ، سال حمایت از تولید ملی است . » باید دنبال انجام این کار راه افتاد . با توجه از زیر بار، شانه خالی کردن ، کاشف است از اینکه در آن جهان بینی اشکال وجود دارد .

شما شهدای سال های دفاع مقدس را به عنوان بهترین الگوها در حوزه ولایت پذیری ببینید . اعتقاد شهدا این بود که چون امام فرموده جنگ بر همه چیز مقدم است ، هیچ چیز و هیچ توجه دیگری قبول نیست . اعتقاد خانواده های شهدا این بود که امام به عنوان نائب امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) جوانان را در مسیر دفاع از اسلام می خواهد و دریغی نبود . همه ی نگاه ، نگاه اعتقادی بود . همه ی باور ، دینی بود . و این کار را جلو برد . ما در شمار معجزات ، یکی از بزرگترین معجزه ها را دم مسیحیایی امام در این جامعه باید بدانیم . امام چه کرد ! در سال های دفاع مقدس چه صحنه هایی خلق شد ! این ها به جز در عاشورای امام حسین (علیه السلام) هیچ شبیهی ندارد . اما دقت کنید که اگر اصحاب حضرت سید الشهداء (علیه السلام) مستقیم به معصوم متصل بودند و آن صحنه ها را خلق کردند اما در سال های دفاع مقدس جامعه ما به نائب امام معصوم متصل بود . این بسیار عظیم و بزرگ است . نتیجه داد و در حال نتیجه دادن است . من فعلا در بخش اول بحثم دارم صحبت می کنم .

بخش دومی که قابل توجه است ، لطفی است که خدای متعال به ملت ما در این دوران انجام داد و عنایتی است که خدای متعال به ما کرد . و آن نکته این است که : چه امام بزرگوار و چه رهبر معظم انقلاب اسلامی ، انسان هایی هستند که وقتی نگاه می کنیم می بینیم در اوج فضیلت ها و شایستگی ها هستند . دوست دارم در یابید که می خواهم چه عرض کنم . نصاب ما در حوزه مشروعیت ، در مقام ولایت ، به مراتب در امام و در آقا با کمتر از این هم حاصل بود . اما به لطف الهی می بینید امام به لطف الهی به عنوان یک فقیه عادل جامع شرایط ، بارها فراتر از آنچه که ضرورت ولایت است ، از شایستگی برخوردار است . یعنی اگر در حوزه اعتقادی و کلامی در ولی فقیه نصابی مشخص می شود ، آن نصاب و بارها و بارها بیشتر از آن را در امام می یابیم . یک اوجی در امام هست . مراجعه کنید به صحیفه امام و ببینید . بگوییم [ایشان] فقیه جامع شرایط [است]. [اجتهاد به چیست ؟ به امکان دریافت حدود و احکام الهی ، تبیین احکام الهی ، ترسیم حرام و حلال الهی است. می رویم سراغ امام . می بینیم فقیه است، اصولی است، فیلسوف است ، حکیم است ، عارف است ، ادیب است . چه اتفاقی افتاده است؟! خدایا چه کردی !؟

« لیس علی الله بمستنکر.....ان یجمع العالم فی واحد »

همه دنیا را خدای متعال در یک نفر جمع کرده است . اینجاست که به انسان احساس اقتدار دست می دهد . خدا امامی به انسان داده که در هر عرصه ای مطرحش کند حرف اول را می زند . این لطفی از جانب خداست . این دل را محکم و مستحکم می کند . انسان فخر می فروشد که ما امت چنین امامی هستیم که در بین همه خوبان عالم یک انسان متفاوت است ، یک سر و گردن بالاتر است . شما می بینید آن شخص رساله پایان نامه دکترای خودش را در دانشگاه مصر ، « ادبیات امام در دیوان امام » قرار می دهد . این که اصلا بحث انقلاب و نهضت امام و استکبار ستیزی نیست . یک وادی دیگری است . چه قدرتی در این شخص هست که در هزاران کیلومتر فاصله ، ادبیاتش عده ای را ، فلسفه اش را ، تحلیلش عده ای را به خود جذب می کند و بعد می بینیم همه نگاه ها به یک سمت متوجه می شود .

اما در مورد رهبر معظم انقلاب: همین اتفاق ، بلکه با جلوه های دیگری در مورد ایشان واقع شد . شاید اگر ۲۰ سال پیش می خواستیم در این باره صحبت کنیم ، مثل امروز راحت نبودیم . امروز دست ما باز است . شاید اگر ۲۰ سال پیش می خواستیم صحبت کنیم ، مداوم آقا را با امام [مقایسه می کردیم] . امروز بعد از گذشت این همه سال از رهبری ایشان ، وقتی بررسی می کنیم می بینیم ایشان مجموعه ای از فضیلت هاست ، مجموعه ای از شایستگی ها و عنایات الهی است . انسان می تواند به خود ببالد . می تواند بگوید : دو امام . این امام ، آن امام . در حوزه علوم اسلامی ، در حوزه سیاست ، در حوزه اقتصاد ، در حوزه امور اجتماعی ، حرکت دارد مدیریت می شود و اتفاقا دقیقا ضرورت تشکیل این



جلسه و این بحث و بایستگی این کار در این نقطه است . که دوستان من توجه کنند : وقتی صحبت از حضرت آقا می کنیم ، بحث ما صرف سیاسی یا سیاسی صرف نیست .

بحث ما این نیست که فقط ببینیم رهبری در انتخابات چه می گوید . نه ؛ این همه ظرفیت مبارک وجود دارد . باید از این ها استفاده کرد . حالا کوتاهی های زیادی هم هست که اگر بخواهیم لیست کوتاهی ها را تدوین کنیم ، ارتفاع این چقدر بالا می رود ! اما این نکته را توجه کنید که : در حوزه های مختلف رهبری به عنوان یک کارشناس حضور دارد . در حوزه های مختلف ، رهبری به عنوان یک انسان صاحب نظر مورد باور و اعتقاد اهل آن معناست . این یک فرصت استثنایی است .

امروز رهبری کسی است که حتی دشمنان او نمی توانند انکارش کنند . در همین مستندی که از بعد عداوت و دشمنی و خباثت انگلیسی درباره شخصیت مقام معظم رهبری ساخته شد ، من به بعضی دوستان گفتم که همان جا را هم نگاه کنید ، این کسانی که با کینه نسبت به انقلاب اسلامی و ولایت صحبت می کنند ، در یک جاهایی نمی توانند فضیلت ها را انکار کنند . اینقدر مسئله بین ، روشن و تابناک است که نمی توان آن را انکار کرد . تلاش می کنند کاری نکنند اما آن کار به نتیجه نمی رسد . این لطف الهی است .

اینجا یک وظیفه به گردن دوستان مذهبی و بچه های مسجدی هست و آن وظیفه این است که: در انس با گفتمان رهبری باید یک فرهنگ شکل بگیرد . ما این فرهنگ را نیاز داریم . ما به فرهنگ سازی در حوزه ی گفتمانی رهبری نیازمندیم . این گفتمان سازی در لحظه تصمیم سرنوشت ساز خودش را نشان می دهد و گاهی این لحظات در عمر یک جامعه یکبار اتفاق می افتد . باز به حضرت امام اشاره کنم : ببینید ، ادبیات و اصول امام در جامعه ما به گفتمان رایج تبدیل شد . آن نسلی از جامعه ما که در نهضت و در پیروزی انقلاب اسلامی با امام بودند ، در حوزه های مختلف اگر می خواستید از آنها بپرسید که در فلان موضوع نظر امام چیست ؟ حتما از جملات امام یک جمله کلیدی در ذهنشان داشتند . یکی از مثال های بارز ، « رابطه با آمریکا » است . این جمله امام « آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند » تبدیل به یک کلید واژه شد که در بعضی مسائل مشابه هم افراد از آن استفاده می کردند : « آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند . » نسبت به جنگ ، نسبت به نهادهای مقدس در عرصه کشور مثل جهادسازندگی، بسیج و سپاه ، نسبت به مفاهیمی مثل شهادت . به آحاد مردم که رجوع می کردید می دیدید حتما یک جمله ای در این مورد بلدند . این به فرهنگ عمومی جامعه تبدیل شد و حسن این فرهنگ عمومی این بود که آنجایی که امام به اختصار کلید واژه ای ، آحاد جامعه آن را دریافت می کردند . تفسیر و تحلیل نمی خواست . این فرهنگ سازی در دوران امام واسطه گری نخبگان بین آحاد جامعه و بین امام را حذف کرد . یعنی چون ادبیات امام به ادبیات عمومی مردم تبدیل شده بود ، نیازی به واسطه نخبگان نبود . نخبگان در دوران امام مثل عامه مردم در تحلیل های خود شدند و مردم در بسیاری از مواقع نخبه تر از نخبگان شدند . چون فرهنگ امام تسری پیدا کرد . مفهوم « امت » و « امام » در این رابطه متجلی شد . آن که امیرالمومنین (سلام الله علیه) فرمود : « هر آینه برای هر امتی امامی هست که به او اقتدا می کند و از نور او بهره مند می شود » این اتفاق افتاد . امام اشاره ای می کرد و مردم تا آخر می گرفتند که امام می خواهد چه بگوید . و حتی گاهی تصمیم می گرفت اشاره کند بلافاصله امت درخواست او را می فهمیدند و عمل می کردند .

ما در این بخش نسبت به حضرت آقا دچار کم کاری هستیم . اینجا کوتاهی صورت گرفته است و شما نباید اجازه دهید این کوتاهی صورت گرفته استمرار پیدا کند . باید از یک جایی حرکت را شروع کرد . باید به طور مداوم با ادبیات ، نگاه ، تحلیل و تفسیر رهبری آشنا بود . در برخی زمینه ها این مسئله صورت گرفته است . در حوزه جهاد علمی حقیقتا در بخش های علمی و پژوهشی کشور ، حتی آنهایی که به حضرت آقا اعتقادی مثل اعتقاد بچه های مذهبی ندارند ، اما این را مقررند که برای ایشان اقتدار علمی یک اصل است . برای ایشان توسعه پژوهش یک اصل است . در کشور اگر بنا شود از پژوهش و اعتماد به نفس و خود باوری صحبت شود ، حتی مخالفین نمی توانند خود را از گفتمان رهبری جدا نگه دارند . حرف هایی که این ها می زنند قطعا بخشی از کدهایش مال رهبری است . این تحقیق شده است . در بسیاری از نخبگان علمی کشور تاثیر پذیری از اراده رهبری مشهود و مکشوف است . شهدای جهاد علمی نمونه و شاهد بر مدعای بنده هستند .



باورشان این بود که رهبری اقتدار در حوزه علم را می خواهد . شکستن مرزهای طبقه بندی علم را می خواهد . عمل کردند و شربت شهادت را نیز نوشیدند.

شما می بینید اندیشمندان منصف خارجی در بحث انرژی هسته ای رسماً می گویند : ایران بمب هسته ای نخواهد ساخت . چون رهبر دینی آن ها که بزرگترین حامی و پشتیبان این حرکت است رسماً اعلام کرده : « ساختن بمب اتم حرام است و ما این کار را نخواهیم کرد » می گویند : راست می گوید. می پذیرند . چون می گویند : این حرکت ، حرکتی است که علم آن دست ایشان است . اما این کافی نیست . در حوزه سیاست هم باید این اتفاق بیفتد . و اگر این اتفاق افتاد ، در عرصه های تصمیم گیری سرنوشت ساز ، ما با کمترین هزینه تصمیم گیری خواهیم کرد . جامعه ما با کمترین هزینه تصمیم گیری خواهد کرد . صحبت های آقا باید خوانده شود . بعد باید بازخوانی شود . مرتب خوانده شود ، باید شنیده شود . آنچه در دیدارها ، گفتگوها ، حکم ها ، ابلاغ ها ، انتصابها ، مد نظر رهبری است به عنوان یک وظیفه ، بچه های مذهبی و مسجدی باید با آن انس بگیرند. ببینید در بعضی حوادث با تلخی اظهار گله کردند . گفتند : من این را گفته بودم ، این را تذکر داده بودم ، این را خواسته بودم. پیداست ما کوتاهی داشته ایم . این کوتاهی از همه است . آن را به گردن کسی انداختن درد را دوا نمی کند . کوتاهی از همه است . اگر نائب امام زمان (علیه السلام) از یک حرکت ناراضی باشد ، قطعاً آن حرکت مردود است . و هیچ استدلالی هم در دفاع از آن حرکت پذیرفته نیست . این چیزی است که ما آموخته ایم . و این فرصتی است برای تمرین دوران ظهور . که انسان در برابر امام خود تحلیلی نداشته باشد . تفسیری نداشته باشد . اگر تذکری دادند که فلان حرکت اشتباه است ، اشتباه است . باید عقب گرد کرد . باید استغفار کرد . باید اعتذار به درگاه الهی آورد .

باید مقداری در این زمینه کار شود . در کنار این کار ، یکی از نکات ارزشمند و دلگرم کننده ، گستردگی فرهنگی ، ادبیات موثر و جامعیت مقام معظم رهبری است . این را کم نبینید . وقتی در دیدار اهل فرهنگ و ادب ، در دیدار اهل هنر ، در دیدار بخشهای تخصصی کشور این نکته به صراحت بیان می شود که ما متعجبیم که ایشان رهبر انقلاب اسلامی است یا کسی از جنس ما و در حوزه ما؟! این قدر کارشناس است . این خیلی فضای مبارکی است . هر که در حوزه خودش باید پی این کار بیفتد .

صدها موضوع در پایان نامه مقاطع تحصیلات تکمیلی در دانشگاه ها به دانشجویان ما داده می شود . که در خوش بینانه ترین فرض ، بخش عمده ای از این صدها موضوع ، غیر مضر است . (نه مفید ، بلکه غیر مضر ، خنثی) و در مواردی هم مضر . این همه نقطه اوج ، این همه جای کار ، در گفتمان رهبری وجود دارد . که قطعاً در این زمینه هم اگر هر کس کار کند عبادت کرده است . این را من به عنوان یک طلبه به شما عرض می کنم . در هیچ حوزه ای انسان نمی تواند قصد عبادت کند (کار اداری ، کار آموزشی ، کار فرهنگی) با آن شکلی که می تواند در حوزه کار پیرامون مسائل مربوط به ولایت ، قصد قربت و عبادت کند . امروز علم دست رهبری است و این محدود به جامعه ما نیست . بنده اخیراً این را در جایی گفته ام . امروز با این حوادث بزرگی که پشت سر گذاشتیم ، عظمت رهبری محدود به مرزهای جمهوری اسلامی نیست . در بین امت اسلامی به صراحت به ما گله می شود که چرا شما برای ایشان از واژه «امام» تعبیر نمی کنید ؟ وقتی می گویند « رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران » ما احساس می کنیم که ما را نمی بینید ، ما را نادیده می گیرد . ما بخشی از پیکره امت اسلامی هستیم . اندیشمندانی از کشورهای اسلامی می گویند : شما باید واژه «امام» را برای حضرت آقا به کار ببرید ؛ چون واژه «امام» گره خورده به واژه «امت» است . و ما خود را جزء امت اسلامی به حساب می آوریم . ما به آنچه ایشان می گویند نگاه می کنیم . برای ما خط مشی ایشان تعیین کننده است . در قضیه بیداری اسلامی این مکرر بیان شد که : ما نگاه می کردیم به اینکه رهبری چگونه سخن می گوید .

نباید اجازه داد که در امّ القریای جهان اسلام که از آنجا نور ولایت ساطع است ، احیاناً کاستی و کوتاهی صورت بگیرد . دیگران هم منتظر ما نخواهند ماند . از هر جایی که این نور ساطع باشد ، خواهان و داوطلب بهره مندی از آن خواهد آمد . اما این فضیلت باید برای ما باشد . دوستان کار کنند ، تلاش کنند . این را یک فریضه بدانیم . آنچه مقام معظم رهبری بیان می کند را مطلع و با خبر باشیم . خودشان هم چند بار بیان



کرده اند که : اینکه کسی بگوید : ما بودیم ، ما شنیدیم ، چنین صحبتی در یک جلسه خصوصی بوده است ، نه نیازی نیست . معتبر نیست . فرمودند : « حرف های من همین حرف هایی است که می گویم و عمومی هم می گویم .» در سال ۷۵ هم به مناسبتی فرمودند : « من با هرکس که صحبت می کنم ، بنا را بر این می گذارم که دارم با همه ی ملت ایران صحبت می کنم .» یعنی همه بشنوند ، بدانند. به لطف الهی این همه برکات و معارف امروز در اختیار ما هست باید استفاده کرد . « لئن شکرتم لا زیدنکم » . این کار یک مسئولیت همگانی است . همه باید در این زمینه کار کنند . لکن هرکس به فراخور آنچه می تواند و از دست او بر می آید . از بچه های مسجدی ، بچه های دانشکده ، یک تشکل ، یک هیئت ، یک محله گرفته ، تا مراجع مسئول ، کسانی که کانال در اختیارشان است ، تصمیم گیری ها و سیاستگزاری ها [با آنان است] اما این کار را باید شروع کرد . این کار را باید انجام داد.

من خوشحالم که برای یک دوره جدیدی عزیزان و فرزندان ما در این مسجد این کار را شروع کرده اند و بنا دارند آن را ادامه دهند. کار مسجدی برکت دارد . کار مسجدی بارها از کار اداری ، رسمی و سازمانی و این عناوین حقوقی بیشتر برکت دارد . این را جدی بگیرید ان شاءالله . قطعاً خداوند به کار برکت خواهد داد . من بدون اغراق عرض می کنم : خداوند متعال در این سال ها به واسطه این دو انسان بزرگ ، دریچه هایی از معارف را به روی ما باز کرد. این اغراق و مبالغه نیست . صحبت ها و مطالب و آنچه از لسان مبارک امام افاضه شد را ببینید . این ها حرف هایی است که بدون تردید از یک منبع نورانی صادر می شود . من بارها به این فکر کرده ام که : تحقق حدیث مبارک قدسی که : « هر کس چهل روز عمل خود را خالص کند ، خداوند از قلبش بر زبان او حکمت را جاری خواهد کرد .» را در مورد امام و حضرت آقا ما دیده ایم . الحمدلله . این نعمت را شاکریم و سپاسگزاریم . امیدواریم ان شاءالله خداوند به ما توفیق دهد که در این مقطع حساس و در این دوران تاریخ ساز که تحولات بزرگی در حال انجام است ، قدردان نعمت ، برکت و وجود عزیز حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (دامت برکاته) باشیم و تلاش کنیم سربازی امام عصر (ارواحنا فداه) را در این دوره تمرین کنیم و خود را امتحان کنیم و ومحک بزنیم . همه آن ها که دل در گرو سربازی امام عصر (علیه السلام) دارند ، یک دوره آزمون و امتحان بزرگ را امروز پیش روی خود دارند . ببینیم چه می کنیم ، چه می توانیم بکنیم . امیدوارم ان شاءالله رو سفید و سربلند باشیم . از عزیزانی که جلسه را تشکیل دادند و از فرد فرد شما که وقت گذاشتید و عرائض ۶۵ دقیقه ای بنده را گوش دادید صمیمانه ممنون و سپاسگزارم . ان شاءالله خداوند علیّ اعلی روح مطهر امام بزرگوار وشهدای ما را با ارواح انبیاء و اولیاء محشور بفرماید و به رهبر عزیزمان طول عمر با عزت و کرامت و توفیق مضاعف عطا نماید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.